

بخیل تحت حمایت و هدایت شیطان است!

وجود مبارک امیر المومنین (علیه السلام) در حکمت ۳ نهج البلاغه فرمود: «الْبَخْلُ عَارٌ»؛ بخل ننگ است؛ فرمود بخل آن است که آدم بخشش نداشته باشد، آنچه را که به دست آمده برای اینکه مبادا در آینده به آن نیاز داشته باشد در موارد لازم نبخشد. فرمود: آن کسی که بخیل است تحت حمایت و هدایت و رهبری شیطان است، چون «الشَّيْطَانُ يَعْذُّكُمُ الْفَقْرَ»، یعنی شیطان در درون ما وسوسه می‌کند که اگر شما در این راه خیر کمک کردید چه کسی به شما کمک می‌کند، چه کسی آینده شما را تأمین می‌کند؟ خود ذات اقدس اله در قرآن فرمود: «مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ»؛ شما هر چه (در راه رضای حق) انفاق کنید خدا به شما عوض می‌بخشد. امام جواد (علیه السلام) یک بیان نورانی دارد که تفسیر همین آیه است؛ فرمود: «مَنْ أَيْقَنَ بِالْخُلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَةِ»؛ کسی که یقین به پاداش دارد، در بخشش، سخاوتمند است. فرمود: این که در قرآن آمده است آنچه را شما در راه خدا انفاق می‌کنید خدا جانشین آن را فراهم می‌کند، این جانشینی همزمان است. الآن اگر بارانی بیاید جایی سنگی فرو برود، شما این سنگ را از این باغ بخواهید بردارید، چاله‌ای می‌ماند، شاید تا یکسال یا بیشتر طول می‌کشد تا این چاله پر بشود؛ اما یک سطل آب که از رودخانه می‌گیرید همان زمان پر می‌شود. «خُلْف» یعنی این؛

[بیانات آیت الله جوادی آملی در ۹۶/۱۱/۲۶ در دیدار با جمعی از دانشجویان]

شاید اون یک فرشته بود!

روز دوازده بهمن، با این که بهشت زهرا (سلام الله علیها) هم رفتیم ولی موفق به زیارت امام نشدم. برادریم جعفر یک موتور گازی داشت که من ازش استفاده می‌کردم. صبح روز بعد با همان موتور گازی به همراه چند نفر از بچه‌ها راه افتادیم به سمت مدرسه رفاه تا آنجا را پیدا کردیم ظهر شد. ظهر هم فهمیدیم که امام دیگر تا فردا صبح ملاقات ندارد. توی راه برگشت، در یکی از خیابان‌های همان اطراف که خلوت بود و کم رفت و آمد، بنزین موتورم تمام شد. چون اون نزدیکی پمپ بنزین نبود چاره‌ای نداشتیم جز این که صبر کنم تا بلکه بتوانم از ماشین‌های عبوری بنزین بگیرم. چهل و پنج دقیقه معطل شدم. آخرش در کمال ناامیدی، تصمیم گرفتم موتور را بگیرم دستم و آن قدر پیاده‌گردن تا بالاخره به یک پمپ بنزین برسم. درست در همین لحظه‌ها، دیدم یک ماشین پژوی سفید رنگ و قدیمی، پیچید توی خیابان؛ شروع کردم به دست تکان دادن بر خلاف انتظارم نگه داشت. انگار تازه فهمیدم راننده‌اش یک سید روحانی است. سلام کردم، جواب سلام را داد، پرسید: چی شده؟ گفتم: بنزین موتورم تموم شده. نگاهی به ساعتش کرد. گفت: می‌تونم به ات بنزین بدم. پیاده‌شد ... در صندوق عقب را باز کرد. یک تکه شلنگ و یک چهارلیتری خالی درآورد. با یک دنیا خجالت و شرمندگی رفتم که آنها را از ازش بگیرم، نداد. گفت: خودم بنزین می‌کشم. گفتم آخه این جوری که بده حاج آقا. گفت: نه، هیچ بدیی نداره. بنزین‌ها را توی باک موتور خالی کردم و چهار لیتری رو دادم به ازش، گفت: خونه تون کجاست، پسر؟ گفتم: طرشت. پرسید: پس این جا چی کار می‌کنی؟ گفتم اومده بودم آقا رو زیارت کنم که قسمت نشد. بعد هم گفتم: نمی‌دونم قسمت میشه امام رو ببینم یا نه؟ لبخندی زد و گفت: چون نیتت پاکه، ان شاء الله حتماً امام رو می‌بینی؛ خدا حافظی کرد و سوار ماشین شد. همین که خواست برود، پرسیدم: ببخشین، اسم شما چیه؟ گفت: بهشتی هستم؛ و رفت. من که تا آن موقع، نام خانوادگی این طوری نشنیده بودم، تعجب کردم. توی عالم نوجوانی با خودم گفتم: شاید اون یک فرشته بود که خدا از بهشت فرستادش تا به من کمک کنه؛ برای همین گفت بهشتی هستم! دو سه روز بعد بالاخره موفق شدم حضرت امام را زیارت کنم. آن روز وقتی رسیدم که ایشان برای جمعیت زیادی مشغول سخنرانی بودند. همان روز اول، از چیزی که دیدم، در جا خشکم زد؛ روحانی‌ای که به من بنزین داده بود، درست کنار امام نشسته بود. حیرت زده گفتم اون بهشتیه! مردی که کنارم ایستاده بود، چپ چپ نگاهم کرد. گفت: بهشتی چیه؟ بگو آیت الله بهشتی.

[سعید عاکف، حکایت زمستان، چاپ پنجاه و ششم، ۱۳۹۵، ص ۲۳ تا ۲۵]

شخصی زمین‌های خود را بین فرزندان تقسیم نموده و به آنها گفته است که من خمس زمین‌ها را نداده‌ام و لذا باید هر کسی سهم خمس زمین دریافتی را بپردازد و فرزندان نیز با همین شرط زمین‌ها را گرفته‌اند. حال اگر فرزندان خمس زمین‌ها را نپردازند، آیا این شخص بری‌الذمه می‌گردد؟

سوال

در فرض سؤال، مادامی که خمس را به وکالت از طرف او پرداخته‌اند، بری‌الذمه نمی‌شود. و اگر خمس به خود زمینها تعلق گرفته تا خمس آن را پرداخت ننمایند حق تصرف ندارند.

جواب

(استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)